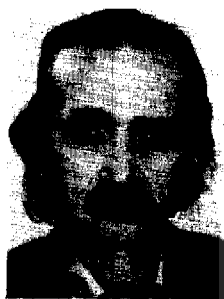


# مرتضی قلیخان شاملو

متعلق به کتابخانه مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی



بخش نسخه‌های خطی کتابخانه و مرکز اسناد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی تاکنون در رسانه‌ها، به ویژه نشریه‌های ادواری، شناسانده نشده است. فهرست نسخه‌های خطی این کتابخانه، در سه مجلد فراهم آمده که آماده چاپ است. این سه مجلد حاوی معرفی بیش از یک هزار و هفتصد مجموعه است، و شمار عنوانهای آن به سه هزار و پانصد می‌رسد. بسیاری از کتابهای معرفی شده در آن منحصر به فرد است، و برخی اگرچه منحصر نیستند ولی دارای ویژگی‌های ممتازی هستند. مانند «شاهنامه» خاندان سعدلو از سده ۸۷ق، که در هامش آن «پنج گنج» نظامی گنجوی نوشته شده است. و مجموعه «الرسالة الجامعة» مورخ ۶۸۴ که کاملتر و ممتازتر از دو چاپ آن می‌باشد و دهها نمونه دیگر.

در اینجا از یک تازه‌وارد این گنجینه، یعنی «جنگ مرتضی قلیخان شاملو» سخن خواهم گفت، که در تابستان ۱۳۷۲خ به کمتر از نیم‌بهای مادی آن خریداری شده است. و فروشنده آن با علم به این واقعیت، چون این کتابخانه را مناسب‌ترین جا برای نگاهداری و بهره‌برداری بهینه از آن می‌دید، حاضر به فروش آن شد.

\*\*\*

## جنگ مرتضی قلیخان

مرتضی قلیخان شاملو فرزند حسنخان، از امیران صفوی است، که از سوی شاه سلیمان

(۱۰۷۷-۱۱۰۵ق) فرمانروای خراسان و قم و وزیر اردبیل بوده است. و در این جنگ چند جا از خود به متولی آستانه شیخ صفی یاد می‌کند. او خوشنویس (خوشنویسان، بیانی ۴: ۲۶۸) و سراینده (ذریعه ۹: ۱۰۲۷) بوده است.

جنگ آغاز می‌شود با دیباچه‌ای از محمد صفی کتابدار آستانه، که به سال ۱۰۶۹ق، نوشته‌های شاملو را گرد آورده و دیباچه را نگاشته است. و درج مطالب در جنگ چند سال بعد نیز ادامه می‌یابد: محمد شریف بن مقصود غرّه ۲/۱۰۸۲ق (ص ۲۵۷)، محمد امین بن محمد قاینی صفر ۱۰۹۴ق در شهر گنجه (ص ۲۹۳)، حاجی فتاح بن حاجی محمد حسین تبریزی المسکن ۱۰۹۷ق (ص ۳۱۳، ۳۲۴) و محمد مؤمن منجم که سه رساله در ستاره‌شناسی را نگاشته و به خامه خود به یادگار در این جنگ آورده ۱/۱۰۸۹ق (ص ۳۷۴). «جنگ» با سر لوح و جدول بندی است و یادداشت «ابتیاعی کنسول ملکم، ۱۳۱۰» و مهر بیضی او «ناظم الدوله». او میرزا ملکم خان (د ۱۳۲۶ق) است که نیازی به معرفی او نیست، ۳۵۴ص، اندازه رحلی، صحافی تازه تر عثمانی.

\*\*\*

جنگ‌ها نه تنها نشان دهنده شخصیت گردآورنده آن، که در اینجا یکی از نام‌آوران کشور ماست، بلکه تنوع مطالب آن نشان دهنده وضعیت فرهنگ ما در یک دوره از تاریخ است. پیش از معرفی جزء به جزء این جنگ گرانبها، به این چند جنبه آن اشاره می‌کنم.

در این جنگ منظومه‌ای است که به عنوان «تصحیح بوستان» (ش ۱۸) شناسانده شده است، سراینده آن یعنی مرتضی قلیخان می‌کوشد تا سعدی را یک شیعی معرفی کند. از این بخش می‌توان نتیجه گرفت او خو است، در آن روزهای آکنده از تعصب، سعدی را از گزند متعصبان به دور نگاهدارد. کوششی که در جابجای تاریخ ما، برای حفظ مآثر ارزشمند ما شده است.

در بخش دیگر این جنگ «سلطانیه» (ش ۳۲) کوکبی بخارایی را در موسیقی می‌یابیم، که به نام عبیدالله خان از یک نگاشته شده است. مرتضی قلیخان آن کتاب را با حذف نام کتاب و مهدلیه (عبیدالله) در جنگ خود آورده است. و این سابقه طولانی وحدت پهنه جغرافیایی فرهنگ و زبان فارسی را به دور از مرزهای سیاسی نشان می‌دهد، که در گرماگرم ستیزها، آثار فرهنگی دست به دست می‌گشته است.

در بخش دیگر این جنگ رساله «شراب» (ش ۵۱) را می‌بینیم، در ساخت و خواص شراب و آداب نوشیدن آن، که ریا و ظاهر سازی حکومت مذهبی صفویان را نشان می‌دهد.

از یک سو شامل «نامه از بکان به رستم‌داری و پاسخ رستم‌داری» (ش ۴۳) است، که حکایت از بهتان‌های دردناک مذهبی و خون‌ریزیهای مترتب بر آن، از سوی «نامه» ای از میر محمد باقر داماد (ش ۳) به یکی از فضلای عصر خویش، که به او می‌گوید: «سخن من فهمیدن هنر است، نه با من جدل کردن و مباحثه نام نهادن». و با سر آغاز «عزیز من، جواب است نه جنگ».

در این جنگ به غزلهای منظومه‌های مستقلی از مرتضی قلیخان برمی‌خوریم، که یک «دیوان» (ش ۵۸) از او را تشکیل می‌دهد، و می‌تواند موضوع رسالهٔ دکترایی قرار گیرد. این سروده‌ها شخصیت ادبی او را نشان می‌دهد، و آن شخصیت است که به این مجموعه معنای موردنظر مرا می‌دهد.

### اکنون پردازیم به جزء جزء این جنگ:

۱- مقدمه از محمد صافی کتابدار (ص ۲-۶). آغاز: بسم‌الله مجریها و مرسیها. لآلی حمد بی‌قیاس قادری را رواست.

۲- نامه از عبدالباقی تبریزی به میرزا ابراهیم همدانی (ص ۸۷). نامه‌ای است شخصی، ادبی که به مناسبت دربارهٔ «ابراهیم» سخن می‌گوید. آغاز: به حق بیت و به حق صاحب بیت و به حق دل شکسته.

۳- نامه از میرداماد، میرمحمدباقر (د ۱۰۴۱ق) به «یکی از فضلالی عصر خویش». در آن با عتاب می‌گوید: «سخن من فهمیدن هنر است، نه با من جدل کردن و مباحثه نام نهادن» (نک. مشترک ۵: ۸۸۰). آغاز: عزیز من، جواب است نه جنگ است، رحم‌الله من عرف قدره... نهایت مرتبه بی‌حیایی است که نفوس معطله (ص ۸-۹).

۴- نامه از «مولانا فیض دامت‌الذکر» که بایستی فیض کاشانی (د ۱۰۹۱ق) باشد. به «آخوندی فیاض دامت برکاته». که بایستی ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجانی (د ۱۰۵۱ق) باشد. هرچند این دعا با تاریخ کتابت (۱۰۶۹) درست در نمی‌آید. نخست از بیماریش می‌پرسد، و در پایان غزلی پیشکش او می‌کند. با سر آغاز: به یاد منزل سلمی بر اتلال و دمن‌گردم. و در میانه مسایل عرفانی و پند و اندرز: به دست خود تفسیر بیضاوی را نوشته‌ام و یقین می‌دانم عنقریب به بهای ارزان فروخته خواهد شد. (مشترک ۵: ۸۶۰). آغاز: رزقکم الله التحلی من صفات الناسوتیه... مسموع شد، که مدتی در بیماری و آزار گذشته (ص ۹-۱۵).

۵- نامه که بایستی از همان فیض کاشانی (د ۱۰۹۱ق) به همان ملا عبدالرزاق لاهیجانی (د ۱۰۵۱ق) باشد. نامه‌ای است عرفانی در سیر و سلوک، آمیخته به نظم. آغاز: بدان خدایی که دعوت و حدث او از هر صنعتش هزار برهان است (ص ۱۹-۱۶).

۶- نامه از «علامی فهامی مولانا محمد محسنا به نواب مستطاب خانی». که بایستی همان فیض کاشانی باشد، چه در آن از مثنوی خود «شراب طهور» (ذریعه ۱۳: ۴۴) یاد می‌کند. پاسخی است به نامهٔ کسی که نامه او حاوی غزلی بوده است. که شاید مرتضی قلیخان باشد. آغاز: به سلامت و عافیت و به انجام مهمات مبارکهٔ مفوضه موفق و مهتدی باشند (ص ۱۹-۲۰).

۷- نامه از شیخ بهایی (د ۱۰۳۰ق) به ناشناس، که از وی به «سلطان المتالیهین» یاد می‌کند. نسخه‌هایی دیگر از این نامه در دست هست که وی را میرزا ابراهیم همدانی یاد کرده‌اند (نسخه‌ها ۲: ۱۳۳۷). نامه‌ای است عرفانی، که سروده‌هایی از «نان و خلوا»ی خود (اندرین ویرانه پر و سوسه...

این وطن مصر و عراق و شام نیست) را در آن آورده است (مشترک ۷۷۵:۵). آغاز: یا غایب عن عینی  
لا عن بالی... جاننا سخت گرچه معمارنگ است (ص ۲۱-۲۶).

۸- مطایبتهای اخلاقی. ناموب (ص ۳۲-۷۲).

۹- ذکر بعضی علامتهای حضرت مهدی عج و ظهور ایشان (ص ۲۶-۳۲).

۱۰- بهرامشاهیه. از میر سید علی همدانی (۷۱۳-۷۸۶ ق). درباره منازل ششگانه سفر انسان،  
از صلب پدر تا بهشت یا دوزخ. آغاز: تا مهندسان کارگاه تقدیر، نقوش صورالوان بر صفحات الواح  
وجود (مشترک ۳: ۱۳۲۳) (ص ۷۴-۸۱).

۱۱- ترجیع بند از عزتی. ترجیع: برگشته راه غلطم، طالب غفران - باید نظری تا برم این راه به  
پایان. در ۶۵ بیت. در پایان آن آمده: بی پاس ادب لب مگشا، عزتی اینجا - در عین فنا باز چه اظهار  
وجود است. (ص ۸۳-۸۲)، سپس قصیده از همو. آغاز: به حکمت آنکه صدف را در از سحاب دهد  
(ص ۸۳-۸۴).

۱۲- قصیده از «میرزای صفوی». در آن «مرتضی خان» (شاملو؟) ستایش شده است. آغاز: چه  
تقدیر سازم غم دلستان را - به خوناب حسرت بشویم دهان را (ص ۸۴).

۱۳- ترکیب بند «من کلام شاهدالحسینی قدس سره». آغاز: بسم الله الرحمن الرحیم - قبضة  
شمشیر طلسم قدیم (ص ۸۵)، سپس قصیده از غیاثا، خواجه حسین سنایی، شیخ ناصر، ابوالمفاجر  
رازی، سنایی.

۱۴- عشقنامه. از شاه داعی شیرازی، نظام الدین محمود (۸۱۰-۸۷۰ ق). ششمین مثنوی از  
«سته داعی» اوست، در پیرامون ۱۶۸۰ بیت، که در چهل سالگی، به سال ۸۵۶ ق سروده است. در  
مراتب عشق، در ۱۴ «سخن». آغاز: از ازل گر گوش داری تا ابد - بشنوی از هر زبان حمد احد  
(ص ۹۴-۱۰۵) (ذریعه ۱۹: ۲۴۸) «مثنوی عشق نامه یا اشکنامه» مشترک ۵۰۷:۷).

۱۵- وصف تالار. از صابر. که در میانه گوید: بیا «صابر» از حد میر گفتگوی - مبر پیش دریای  
عمان سبوی. مثنوی است در ۸۰ بیت در وصف تالارخان (شاید همان مرتضی قلیخان). در پایان  
گوید باز ایشان ز تاریخ کردم سؤال - به من گفت آن پیر فرخنده حال - چو دلگیر گشتی بگو این چنین  
- بود خانه ای همچو خلد برین. آغاز: شبی با خرد گفتگو داشتم - بیان سخن سوی او داشتم.  
(ص ۱۱۲-۱۱۳).

۱۶- ترجمه یا سامع الدعاء. به نظم، از همان مرتضی قلیخان شاملو. مخمس مناجات حضرت  
علی ع است (یا سامع الدعاء، یا رافع السماء)، در ۲۹ مخمس، به ترتیب الفبایی، از الف تا یاء، که هر بیت  
متن را با دو بیت ترجمه گزارش گونه کرده است. با دیباجه ای به نثر، که در آن نام خود را آورده و  
اینکه متولی درگاه شیخ صفی است، و این مخمس را به سال ۱۰۶۸ ق ساخته است. آغاز:  
بسم الله الرحمن الرحیم - مطلع آیات کلام کریم. این مخمس ترکیبی است در مناجات... بنده  
درگاه... مرتضی قلیخان متولی سرکار فیض... یا رب بشنو دعای مظلومان را - ای کرده بلند رفعت  
ایوان را. (ص ۱۱۷-۱۲۱ چهارستونی).

۱۷- ترجمه مناجات حضرت علی ع: لک الحمد یا ذالجلود و العلی. ترجمه منظوم، گویا از همان مرتضی قلیخان. (ص ۱۲۰-۱۲۱).

۱۸- تصحیح بوستان سعدی. کوتاه از همو. با دیباچه‌ای کوتاه به نثر، که در آن می‌گوید: اشعاری که دال بر تشیع سعدی است بسیار است... سعدی در گذشت و «بوستان» او پس از مرگ به دست سنی متعصبی گرد آمد و آن را به دلخواه خود دست برد. تا «ملهم الصواب رفع این غایله فرمود، به ترتیبی که سعدی در نظر داشته انشاء نمود. اکنون بر همه کس لازم است که کتاب «بوستان» خود را حک و اصلاح و بدین ترتیب کند. آغاز: بر ارباب بصیرت و ذکاء مخفی و مستور نماند، که اشعار دال بر تشیع شیخ سعدی بیشتر از آن است که... یکی مشکلی برد پیش علی - که تا مشککش را کند منجلی (ص ۱۲۶-۱۳۲ چهارستونی).

۱۹- شرح قصیده سربانی: شرح قصیده ربوییه. متن دعایی است منظوم، به روایت ابن عباس، که گفته شده از سوره‌ای از «زبور» بیرون کشیده شده، به زبان عربی درآمده است. با سرآغاز: انالوجود (المطلوب، المقصود)، فاطلبنی تجدنی... ترجمه شرح گونه آن از ضیاءالدین نخشبی بدایونی (د ۷۵۱ق). نسخه‌های آن با یکدیگر جدایی‌هایی دارند. (نک. مشترک ۱۶۲۲:۳). نسخه در دست با دیباچه‌ای به نثر است، در خواص جادویی خواندن این منظومه. که در آن نامی از نخشبی نیامده است. سپس هر یک بیت از متن عربی به دو بیت ترجمه گزارش گونه‌ای آمده است. آغاز ترجمه: منم موجود ای طالب کجایی - چرا در حضرت ما در نیایی (ص ۱۳۲-۱۳۴ چهارستونی).

۲۰- ترجمه قصیده برده. متن از بوسیری، محمد (د ۹۴۴ق). ترجمه از محمد شهرت حافظ شرف، که در ۸۱۰ق به فارسی درآورده است. نسخه‌های آن بسیار است. آغاز: امن تذکر جیران بدی سلم... ای زیاد صحبت یارانت اندرذی سلم - اشک چشم آمیخته با خون روان گشته بهم.

۲۱- ترجمه قصیده فرزددق. از عبدالرحمان جامی (۸۱۷-۹۸۸ق). با دیباچه نثری که در آن انگیزه سرودن فرزددق قصیده را آورده است. متن قصیده در ۲۰ بیت، و ترجمه شرح گونه آن در ۸۷ بیت. نسخه‌های آن بسیار است. آغاز: پور عبدالملک، به نام هشام - در حرم بود، با اهالی شام - می‌زد اندر طواف کعبه قدم (ص ۱۴۱-۱۴۳ چهارستونی).

۲۲- نکته‌ای چند متعلقه به ایمان». با سربندهای نانوشته. شاید «ای عزیز یا ای درویش» باشد (ص ۱۴۴-۱۷۷).

۲۳- خواص چهارده نام از خداوند (ص ۱۷۸-۱۸۱).

۲۴- فالنامه قرآنی. به روایت از حضرت جعفر صادق (ص ۱۸۱-۲۰۴).

۲۴- کیفیت استخاره. به روایت حضرت علی (ص ۲۰۵-۲۰۶).

۲۵- کرامیه. سفرچی. از روزگار شاه تهماسب (۹۳۰-۹۸۴ق) و شاه عباس (۹۹۶-۱۰۳۸ق). در موسیقی، چاپ شده است. در نسخه در دست نام نگارنده و کتاب و مهدالیه نیامده است. تنها از خود به «سرگشته کوی نامرادی» یاد می‌کند. گفتاری است در ۳ «اصل» و «فصل»‌هایی.

۱- دوازده مقام، ۲- شعبات، ۳- در آوازه و مقامات. سپس فصلهایی بشماره: فصل در بیان هفده

بحر اصول، در بیان شده که استادان خوانند. در کواکب معلومه دوازده بروج که هر مقامی به کدام بروج تعلق دارد. (دانش پژوه، مداومت در اصول موسیقی: ۱۵۵). آغاز: ای بلبل جان نغمه سرا از غم تو - چون دایره، دل بی سر و پا از غم تو... حمد و سپاس و ستایش بیقیاس پادشاهی (ص ۲۰۶-۲۳۰).

۲۶- رساله در موسیقی. ناشناخته. در ۱۷ «فصل»: ۱- در مبادی این علم، ۲- در تقسیم دستاها و تعریف ابعاد، ۳- در بیان پردهها، ۴- در معرفت آوازاها، که آن شش است، ۵- در معرفت آنکه ابریشم چند بانگ است، ۶- در دانستن نسبت پردهها با بروج، ۷- در نسبت پردهها به کواکب، ۸- در نسبت پردهها و استخراجش، ۹- در معرفت ایقاع اصول، ۱۰- در دانستن آنکه پیش هر کس کدام پرده باید نواخت، ۱۱- آنکه هر پرده را که زیادت تیزکنی و یا نرم سازی چه حاصل می شود، ۱۲- در معرفت سازها، ۱۲- در معرفت نواختن سازها، پردهها که مناسب وقت باشد، ۱۳- در معرفت آنکه پیش هر قومی کدام پرده باید نواخت، ۱۴- در دانستن آنکه در شبانه روز، هر وقت کدام پرده باید نواخت، ۱۵- در نسبت پردهها به اقالیم، ۱۶- در معرفت تأثیر نغمات در طبایع، ۱۷- در معرفت سماع و آنچه بدو منسوب باشد، در هفت «قسم»: ۱- تعریف حواس خمس، ۲- تعریف سماع، ۳- آداب سماع، ۴- احکام و حقیقت سماع، ۵- وجود و مراتب آن، ۶- قص و خرقه. ترتیب فهرست در مقدمه با متن کمی جدای دارد. (نک. نسخهها ۵: ۳۹۱۵ «موسیقی» که نشانی ۲ نسخه از این رساله را داده، در آنجا نیز نگارنده ناشناخته مانده است). آغاز: حمد و ثنا و درود و سپاس مرخداوندی را که آدمی را از جمله مخلوقات برگزید... اما بعد، بر ضمیر انوار ارباب دانش مخفی نماند که علم موسیقی (ص ۲۱۰-۲۱۴ و ۲۳۷-۲۴۱).

۲۷- تشخیص فراسخ جمیع عالم (ص ۲۱۵-۲۱۶).

۲۸- من العجایب المرموه. خواص اشیاء است، نامبوب. آغاز: هر که موی سر آدمی در پیش خود دود کند، تیز حفظ شود. فرهنگ عامه است. (ص ۲۱۵-۲۱۸).

۲۹- بازنامه. از ناشناس. گزیده از رساله‌ای بزرگتر است، در بازداری، تنها در مانها را دربر دارد. در ۲۵ «باب»: ۱- در علاج بازی که در گلوی او خوره پیدا شود، ۲- در صفت بازی که باد گرفته باشد، ۳- در صفت بازی که تنک شود دمش، ۴- در علاج بازی که بیمار بود، که پارسبان آن را سطارم گویند، ۵- در صفت بازی که چشمش آمیخته باشد، ۱۰- در صفت بازی که کوفتی بدو رسیده باشد، ۱۵- در صفت بازی باد رسیده باشد، ۲۰- در صفت بازی که شیخ (شپش) افتاده باشد، ۲۵- در صفت بازی که پرهاى او کج بود. آغاز: منتخب از رساله بازنامه در صفت علاج باز (ص ۲۱۸-۲۲۲).

۳۰- کنز الرموز. از ناشناس. که می گوید «این رساله‌ای است مشتمل بر خلاصه اقوال علما و حکما». در ۱۰ «فصل» و یک «خاتمه». دست کم دوبار چاپ شده، نسخه‌های آن بسیار است، که به نامهای «کنوز الرموز و کنز النصایح» نیز آمده است (مشترک ۴: ۲۴۱۸). آغاز: حمدله. صلاة. اما بعد، این رساله‌ای است مشتمل بر خلاصه اقوال (ص ۲۲۲-۲۲۴).

۳۱- آبستنی و پاه. از حکیم مظفر شفایی اصفهانی، مظفر بن محمد حسینی، از پزشکان روزگار شاه عباس یکم (۹۹۵-۱۰۳۷ ق). به نام اعتمادالدولة العلیه قاضی جهان. در یک «مقدمه» و سه

«مقاله». مقدمه در بیان آنکه امر براه ضروری است. مقاله ۱- در تشریح اعضای تناسل، در ۳ «باب».  
 ۲- در امر براه، در نه «باب». ۳- در حبل، در هفت «باب». (نک. نسخه‌ها ۱: ۴۶۰). آغاز:  
 بسم الله الرحمن الرحيم - هست اعانت ز علیم حکیم. حمد بیحد خالق را که خلقت انسان کامل را به  
 حکمت بالغه (ص ۲۲۴-۲۲۹ و ۲۴۲-۲۵۷).

۳۲- سلطانیه. کوبی بخارایی، نجم‌الدین. موسیقی دان زنده در ۹۲۸ق. که «سلطانیه» را به نام  
 عبیدالله‌خان ازبک، در ۹۱۵ق ساخته است. در دیباچه نسخه در دست، از خود و رساله و  
 عبیدالله‌خان نام نبرده است. جز آنکه همه نشانیها گواه بر آن است که همان «سلطانیه» است. در ۱۲  
 «مقام» و یک «خاتمه». مقام ۱- در شرف علم موسیقی، ۲- در بیان معنی موسیقی و نغمتین، ۳- در  
 تعریف نغمه، ۴- در تعریف بعد و جنس و جمع و ملایمت و منافرت آنها، ۵- در بیان پرده‌های اصلی،  
 که ۱۲ است، ۶- در نسبت آوازها و شعبات، ۷- در بیان مرکبات، ۸- در تعریف نقره، تعریف و ماهیت  
 حروف، ۹- در تعریف ایقاع، ۱۰- در ادوارالضرب، ۱۱- در تقسیم تصنیف اضافی که به حسب اجزاء  
 از هم ممتازند، ۱۲- اقسامی که به حسب اصول از هم جدایند. خاتمه در رعایت حالات و تعیین  
 اوقات و تاثیر نغمات (نک. ذریعه ۹: ۹۲۶-۹۲۸. نسخه‌ها ۵: ۳۸۹۸-۳۸۹۹). دانش پژوه، مداومت در اصول  
 موسیقی ایران: (۱۴۴). آغاز: حمد بیحد و ثنای بیحد حکیم کارسازی را که سازگار عشاق  
 (ص ۲۳۰-۲۳۷).

۳۳- فهرست سورتها و آیتها و کلمه‌ها و حرفها و نقطه‌ها و سجده‌ها و... در قرآن. از ناشناس.  
 نخست دیباچه‌ای است سپس جدولها. (ص ۲۵۹-۲۶۴).

۳۴- پراکنده‌هایی در اختربینی، طلسمها، لوح رؤیت ماه، نقشه قلعه خیبر، جدول اسماء ائمه  
 (ص ۲۶۳-۲۷۰).

۳۵- حکم تقدیر از علیخان زنگنه بیگلربیگی آذربایجان، مورخ ۱۰۹۴ق. که بعداً به جنگ  
 افزوده شده است (ص ۲۷۱).

۳۶- نسبنامه و احوال پیامبر و دوازده امام (ص ۲۷۸-۲۷۲).

۳۷- نصاب حکماء (ص ۲۸۲).

۳۸- دوایر نجومی، دایره اقالیم سبعة.

۳۹- نامه از میرزا طاهر وحید قزوینی (۱۱۱۲ق) به علیخان سردار آذربایجان (شاید شیخ  
 علیخان زنگنه)، سپس «جواب راقم حروف که از جانب نواب معزی‌الیه» نوشته شده است. تاریخ  
 نوشته ۱۰۹۴ق در شهر گنجه است (ص ۲۹۸-۲۹۳). آغاز: این قحط سال انسانیت، که بری از گلشن  
 آشنایی (ص ۲۹۸-۲۹۳).

۴۰- حکم جهانمطاع به صفی‌قلیخان متولی مشهدین و بیگلربیگی عراق عرب، درباره  
 گذشت از تقصیر اسماعیل بیگ کلهر. (ص ۲۹۳).

۴۱- منشآت بی‌نام. (ص ۲۹۴-۳۰۵).

۴۲- بحر طویل از مهری عرب، سیدعلی جبل عاملی، متخلص به «سید» و «مهری». شوخی و

طنز است، که واژه‌های فارسی را پوشش عربی داده. آغاز: بردمن ماست بیغما همه اقشمه و امتعه  
الهر دو جهان (ص ۳۰۵-۳۰۸).

۴۳- نامه اوزبکان و پاسخ رستم‌داری. دو نامه معروف.

۴۴- وصف قریه دوزال (میرداماد؟) از بایندر بیگا. آغاز: بر سواد خوانان صحیفه دانش و  
تاریک بینان جداول آفرینش (ص ۳۲۵-۳۲۷).

۴۵- سنورنامه که در میان خوانندگان و بندگان اشرف اقدس همایون اعلا واقع شده، به لفظ  
ترکی. آغاز: الحمدلله الذی جعل الصلح (ص ۳۳۱-۳۳۴).

۴۶- نامه. از میرزا محمد شفیع به میرزا حاتم وزیر قراباغ. آغاز: تا مدبر دستور تدابیر مهام کافه  
انام (ص ۳۳۵-۳۳۸).

۴۷- اختیارات الایام. از مجلسی دوم، محمد باقر (د ۱۱۱۰ق) از وی سه رساله بدین نام در  
دست هست، و این یکی در سه «فصل» و یک «خاتمه» است. آغاز: حمدله. صلاة. اما بعد، چنین گوید  
احقر (ص ۳۳۹-۳۴۰).

۴۸- قبله. گویا از محمد مؤمن منجم، که سه رساله کوتاه، برای یادگار، در «جنگ مرتضی  
قلیخان» به خامه خود نوشته است: ۱- بلندای اشخاص، ۲- بلندای اشخاص به اسطرلاب، ۳- قبله. و  
این یکی نامبوب. در منابع در دسترس نشانی از هیچیک بدست نیامد. آغاز: اما معرفت تعیین قبله.  
پوشیده نماند که هر شهری در طول و عرض نسبت به مکه از هشت قسم بیرون نباشد  
(ص ۳۷۱-۳۷۴) نوشته عار ۱۰۸۹ق.

۴۹- خواص ماء مبارک، که عبارت از عرق کوکر است. کیمیا. (ص ۳۷۵-۳۷۹).

۵۰- داستان مرموز. آغاز افتاده (ص ۳۸۰-۳۸۶).

۵۱- خواص شراب و آداب شرب خوارگی. از علی بن عبدالواسع منشی گیلانی (دباجه). که  
می‌تواند با ملاعلی کامی بن ملاعبدالواسع منشی، که «خواص الحیوان» (نسخه‌ها ۱: ۴۲۱) را در  
۱۰۳۳ق برای وزیر گیلان، نگاشته یکی باشد. در «فصل»: ۱- در حرمت آن، ۲- در القاب و اسامی آن  
و تعریقاتی که شعراء و فضلا از آن کرده‌اند، ۳- در انواع و طریق ساختن اقسام آن، ۴- در آداب  
صحبت و اسباب مجلس آن، ۵- خواص و منافع آن، ۶- فواید و منافع آن به حسب هرسن و فصل و  
مکان، ۷- مضرت‌های آن چون برخلاف قاعده و حکمت شرب شود، ۸- دفع مضرتها و رایحه آن. در  
منابع در دسترس نشانی از نسخه دیگر آن به دست نیامد. آغاز: ای از می شوق تو خورد رفته ز دست...  
نغمات حمد بیحد. (ص ۳۸۷-۴۱۵).

۵۲- وقفنامه مستغلات اصفهان. از شاه عباس یکم (۹۹۵-۱۰۳۷ق). مؤرخ ۱۰۱۳ق. باگواهی

گروهی: قاضی صدرجهان، اعتمادالدوله، قورچی باشی، علیرضا خوشنویس، جلال منجم،  
غلامعلی قاضی اصفهان. وقفنامه مستغلاتی است در اصفهان، از آن میان جملگی کاروانسرای واقع  
در صدر میدان نقش جهان، حمام شاهی واقع در همان حوالی، و جملگی نصف تمام از جمیع خانان  
و مستغلات و اراضی و باغات و جداول و انهار و قنوات که در تصرف ایشان (شاه) در اصفهان و در



خارج از آن و... آنگاه محل مصرف درآمدها و کسانی که از این ثواب (درآمدها) محرومند، مانند اسماعیل میرزا و وحیدمیرزا و مرحوم سلطان احمدمیرزا و باقی صفویه که از ایشان بی حرمتی و خیانت نسبت به خانواده پدر سرزده، و یا نسب خود را از خاندان شکسته و... و «چون همه کینیزان بندگان آزادند. از ایشان در این وقفنامه نام برده نشد» و همه جواهرات ایشان که به انعام گرفته دارایی ایشان است، کسی حق مداخله ندارد. آغاز: الحمدلله الذی وقف کل حامد فی موقف العجزاء تحمیده. (ص ۴۱۶-۴۲۵).

۵۲- رقم. رقم شاه صفی به صفی قلیخان شیرعلی قوشچی باشی (ص ۴۲۹).

۵۳- صحت نامه. از خواجه عبدالقادر مراغه‌ای به آنچنانکه برفرزاد نسخه آمده است. که بی تردید همان کمال‌الدین عبدالقادرین غیبی، سده ۸ق، نگارنده «الادوار» می‌باشد. که چهار بیت را به آهنگ و نوت موسیقی درآورده است: به حمدالله که صحت داد، ایزد دلفکاری را. به عزت برگرفت از خاک افتاده خاری را. آغاز: ای یار، ای جانم هی «به حمدالله که صحت» ای هی، صحت داد، داده‌ای «داد» داده «ایزد» زد «دلفکاری را». ای یار، ای جانم، هی کاری را آااا ای ای آها آها همی دلفکاری را (ص ۴۳۹-۴۴۲).

۵۴- دیباچه ییاض. که «آقا ظهیراسلمه‌الله» نوشته است. که بایستی ظهیرای تفریسی فرزند ملامراد باشد که تا پس از ۱۱۱۱ق زنده بوده است (ذریعه ۹: ۶۵۸). به نثر آمیخته به نظم. (نک نسخه‌ها ۵: ۳۵۶۶ «دیباچه چمن سخن»). آغاز: تبارک‌الله احسن‌الخالقین، این چه لعبت موزون و پیکر همایون است، که کبکان خوشخوان (ص ۴۴۳-۴۵۲). اینک محتویات هامش (در ۲ ستون).

۵۵- مثنوی معنوی. بندی از آن. (ص ۵۲-هامش ۱ و ۲).

۵۶- مطلوب کل طالب. سخنان حضرت علی. گردآوری جاحظ، نظم رشیدالدین وطواط، بارها چاپ شده است. آغاز: لوکشف الغطا و... حال خلد و جحیم دانستم - به یقین آنچنانکه می‌باید (ص ۱۸۶-هامش).

۵۷- نان و حلوا. از شیخ بهایی. همانکه بارها چاپ شده است. (ص ۲۷-هامش ۱).

۵۷- جبر و اختیار. از حکیم رکن‌کاشانی (د ۱۰۶۶ق). مثنوی داستانی. آغاز: داستانی دارم از خیرالبشر. (ص ۱۸-۲۱-هامش ۲).

۵۸- دو حکایت منظوم. (ص ۲۱-۲۶-هامش).

۵۸- دیوان ظفر. که همان مرتضی قلیخان شاملو است. با تخلص «ظفر» و گاهی «مرتضی». سروده‌هایی است در قالب‌های گوناگون، پراکنده در «جنگ». با دیباچه‌ای به نثر در (ص ۲۸-هامش ۱). که در آن می‌گوید: از کثرت صحبت با نیکان، این بیمقدار، مرتضی قلیخان شاملو، متولی آستانه شاه صفی، گاهی برای رفع دلگیری، ابیاتی به نظم درآورد، قریب بیست هزار بیت، از قصیده، غزل، ترکیب، رباعی و مثنوی گردآورده بود. گزیده‌ای از آن را در این مجموعه برای یادگار می‌آورم. سپس چند غزل و دوبیتی و مثنوی. آغاز دیباچه: موزون‌ترین کلامی که غزل سرایان انجمن شوق. آغاز

هزل: به حمد خالقی سازم، زبان خویشتن گویا - آغاز مثنوی: شبی از غم چو زلف آشفته بودم. نمونه‌ای از تخلص او: آورده «ظفر» باد صباگردی از آن کوی - صحرای دلم، دشت ختن گشته زبویش (ص ۵۴ هاشم و پراکنده در جنگ).

۵۹- پراکنده‌ها. از سیف اسفرانک، سعدی، نعمت‌الله (کرمانی)، ملامحسن فیض (کاشانی)، ملا عبدالرزاق فیاض (کاشانی)، درویش غباری، باباغانی، غباری در ستایش شیخ صفی، مربع ترکی از فضولی، ظفر (شاملو)، صاپا، خطایی نقل از کشکول بهایی، مولوی، عطار، امیرخسرو، میرزا سلمان، خاقانی، شیخ اوحدی، قاسم‌بیک حالتی، قاضی نور، نظیری، مولانا شرف، بابانصیبی، حسن، اهلی، درویش دهلی، شکیبی، مقصدی، ابوسعید ابوالخیر، نسیمی، غزالی، ملک قمی، باباخضر تبریزی، سیدمحمد جامه‌باف، احمد جامی، مجدالدین بغدادی، شیخ بهاء‌الدین، وطواط، مکتبی، میرزا ابراهیم (ص ۱۶۴-۲۷۸).

۶۰- کلمات خواجه عبدالله هروی. به نظم. از همان مرتضی قلیخان شاملو. با دیباچه‌ای به نثر، که در آن از خود به مرتضی قلی متولی درگاه شیخ صفی یاد می‌کند. که سخنان خواجه هرات را به نظم درآورده و هر فقره را با یک رباعی نیز موشح کرده است. نخستین رباعی: آنان که ترا چنانکه هستی دانند - عنقا صفتانند، از نظر پنهانند - یارب که ز لطف خویش بر من بنما - جمعی که ترا بروز و شب می‌خوانند. آغاز دیباچه: سپاس بی‌قیاس خداوندی را سزاست... آغاز متن: الهی این چه فضل است که با دوستان کرده که هر که ایشان را شناخت ترا یافت... الهی این چه فضل است دوستان را - طفیل راه تو سازند جهان را. (ص ۱۷۱-۱۷۷ هاشم).

۶۱- رهاهات گنجفیه. از اهلی شیرازی (د ۹۴۲ق). چاپ شده است. نسخه دیباچه نثری را ندارد. آغاز: ای سرو سہی خاد رھت وقت خرام (ص ۲۰۳-۲۰۹ و ۲۳۳-۲۳۴).

۶۲- لیلی و مجنون. از مکتبی شیرازی (د ۹۱۶) چاپ شده. بخشی از آن است (ص ۲۳۶-۲۴۰).

۶۳- شرح حرز حضرت امام جعفر صادق. ع. از ناشناس (ص ۲۵۹-۲۶۲).

۶۴- تاریخ جلوس شاه سلطان حسین (ص ۲۷۲).

۶۵- بحر طویل. از ولیقلی شاملو، مستوفی سیستان، سده ۱۱ق. که به سفر حج رفته و در آنجا در گذشته است. و شاهنامه‌ای در «وقایع شاه عباس» سروده است (ذریعه ۱۲۸۱:۹). نخست حمد و ستایش و لمن دشمنان خاندان است، سپس حکایتی طنزآمیز به اقا حله چاق‌تور، اقا قو لئون سعادتلوا... آغاز: افتتاح سخن آن به دندان اهل کمالات، به نام ملک‌الملک (ص ۲۹۴-۳۰۶ هاشم).

۶۶- هجو. از میر نجات سدرات پناه را، به استقبال از محتشم «این چه شور است که در خلق عالم است». آغاز: ای سدر بی‌مثال که در روزگار تو - خار جهان و خلق جهان در هم است. نوشته ۹۷ق (ص ۳۰۹-۳۱۳).

۶۷- دیباچه بیاض. ناشناخته. با این سر آغاز: خرامان شو ای خامه کنج‌ریز به در سفتن،

الماس را دار تیز (ص ۳۲۹-۳۲۱).

۶۸- ارتفاع. از ناشناس. گویا محمد مؤمن منجم ناموب، در اندازه گیری بلندای چیزهایی که از راههای معمولی نتوان اندازه گرفت. آغاز: حمدله. صلاة. اما بعد، مخفی نماند که چون خواهند که مقدار ارتفاع مرتفعی از مرتفعات (ص ۳۲۸-۳۳۱ هاشم).

۶۹- روضة المحبین: ده نامه. از ابن عماد خراسانی، حافظ علاءالدین محمد هروی (د ۸۰۰ ق). مثنوی است در ده نامه در بیان حالات عشق، که در ۷۹۴ق به پایان رسانده و چاپ شده است. (نک. ذریعه ۸: ۲۸۳، ۱۱: ۳۰۳، ۱۹: ۱۸۳- نسخه ها ۴: ۲۸۴۵- مشترک ۷: ۴۷۷- دایرة المعارف بزرگ ۴: ۳۳۱) آغاز: الحمد للخالق البرایا (ص ۳۳۱-۳۵۰).

۷۰- بلندای اشخاص: ارتفاع. گویا از همان محمد مؤمن (ش ۴۸) که برای یادگار در «جنگ» به خامه خود نوشته است. در شناختن ارتفاع اشیاء از نقطه دید و طراز ساختن زمین و دیگر چیزها. آغاز: طریق ارتفاع با اسطرلاب. در ارتفاع آفتاب باید که اسطرلاب را معلق سازند (ص ۳۷۱-۳۷۴ هاشم).  
۷۳- نامه. از شیخ علیخان اعتمادالدوله (افشار)، در پاسخ وزیر اعظم آخوندگار (عثمانی). با انشای میرزا محمد رضا مجلس نویس. (نک. مشترک ۵: ۷۶۴ «نامه» اعتمادالدوله، چندتا). آغاز لوامع اشراقات خطاب صواب همایونفال، و سواطع اشعة کتاب مستطاب (ص ۳۷۹).

۷۴- پراکنده ها. جواب مسایل فقهی که شیخ بهایی در پاسخ نواب اشرف نوشته (ص ۴۴۳-۴۴۴)، منشآت آسیب دیده، حکایت های کوتاه از میر شیخ حسن و دیدار سلطان ساوجی با او (ص ۴۵۱-۴۵۲).

## یادآوری برای مشترکان محترم

تعداد قابل توجهی از مشترکان دوره اشتراکشان سپری شده است و مجله به احترام ایشان ارسال می شود.

کلیک از جمله مجلاتی است که از درآمد اشتراک، نفسی به سختی می کشد و امیدواریم دوستان به ماندگاری آن علاقه داشته باشند و خواهشمندیم هرچه زودتر وجه اشتراک خود را بپردازند.

این موضوع به هر زبان که تکرار شده و می شود از باب آن است که انتشار هر مجله ای به همت و غیرت طرفداران آن دوام پیدا می کند.

هر بار که ناچار به یادآوری این موضوع می شویم خدا می داند که خود شرمنده ایم.